

گیدن نگیر

کرد در بین رؤسای بانک مرکزی پس از انقلاب را داشته
رشاخص‌های تورم، نقدینگی، پایه پولی و نرخ ارز فاجعه
آروده است، خودش را مبرا از یاسخگوئی می‌داند.

رئیس بانک مرکزی دولت یزشکیان، در موضوعات مختلف اقتصادی از پذیرش مسئولیت فرار می کند و سایر دستگاه ها مسئول امور می داند. در حالی که همتی ضعیف ترین

عبد الناصر همتی، پست ریاست بانک مرکزی را دوست دارد اما مسئولیتی در قبال تورم، نرخ ارز، نقدینگی، پایه پولی و رشد اقتصادی نمی پذیرد. اخیراً عبد الناصر همتی،

ارز به همه مربوط است به جز همتی

همتی در زمینه کنترل نرخ ارز تلاش دارد خود را فاقد مسئولیت جلوه دهد. او در ابتدای پذیرش مسئولیت بانک مرکزی در دی ماه ۱۴۰۴ مدعی شد که بانک مرکزی متولی نرخ گذاری ارز نیست و سایر نهادها متولی ارز هستند و بانک مرکزی در این زمینه مسئولیتی ندارد.

دفاع از رکورد نقدینگی

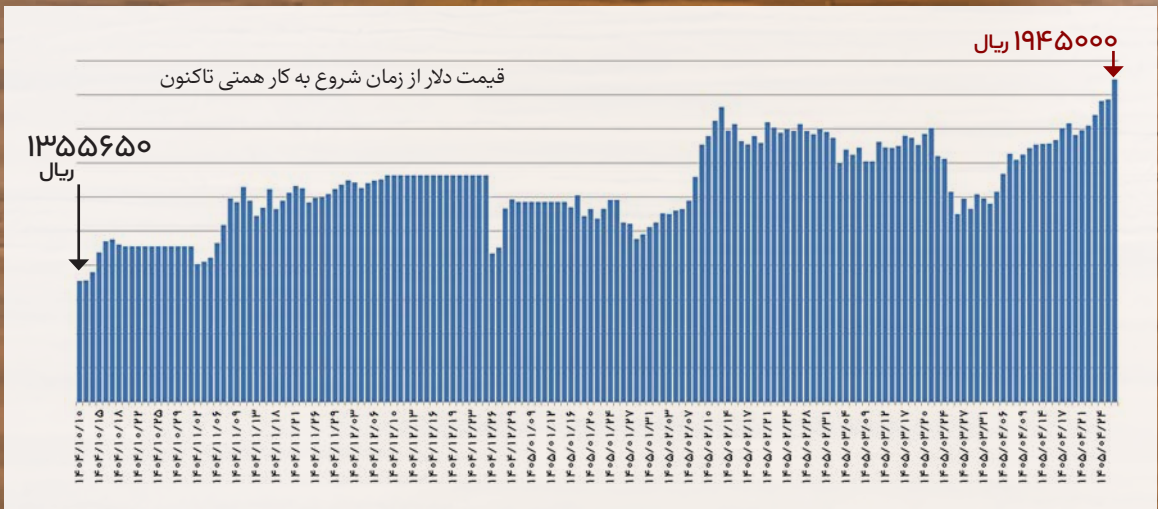
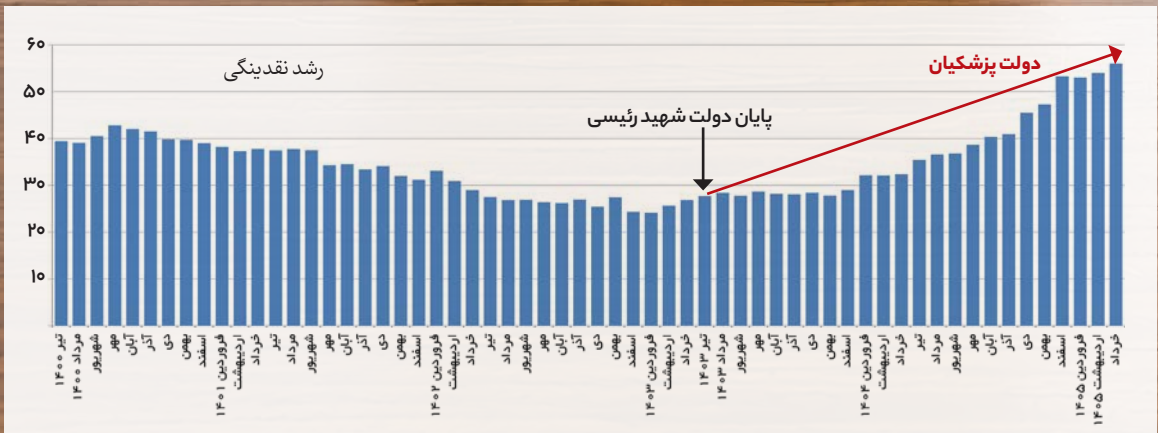
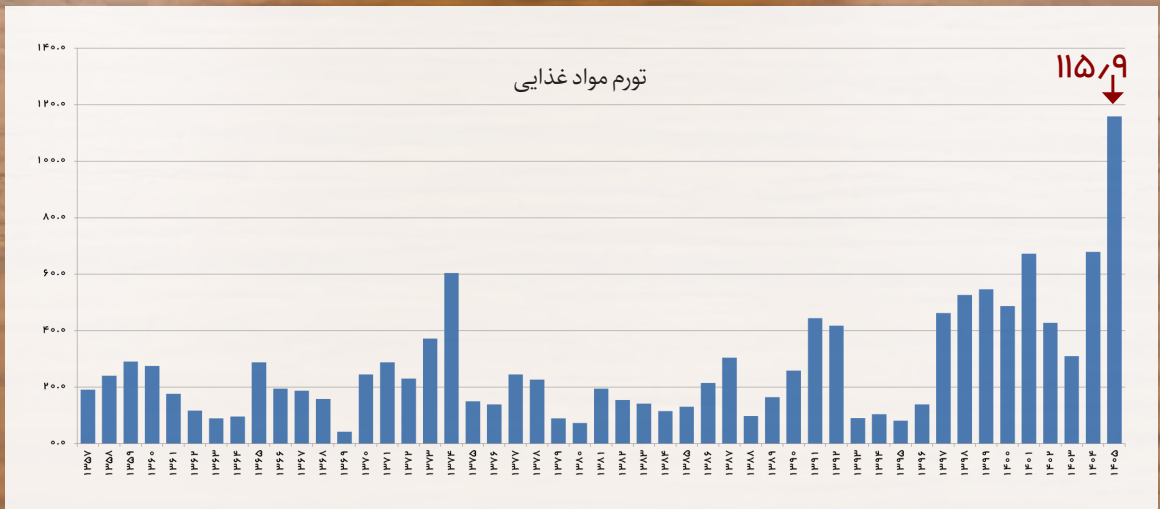
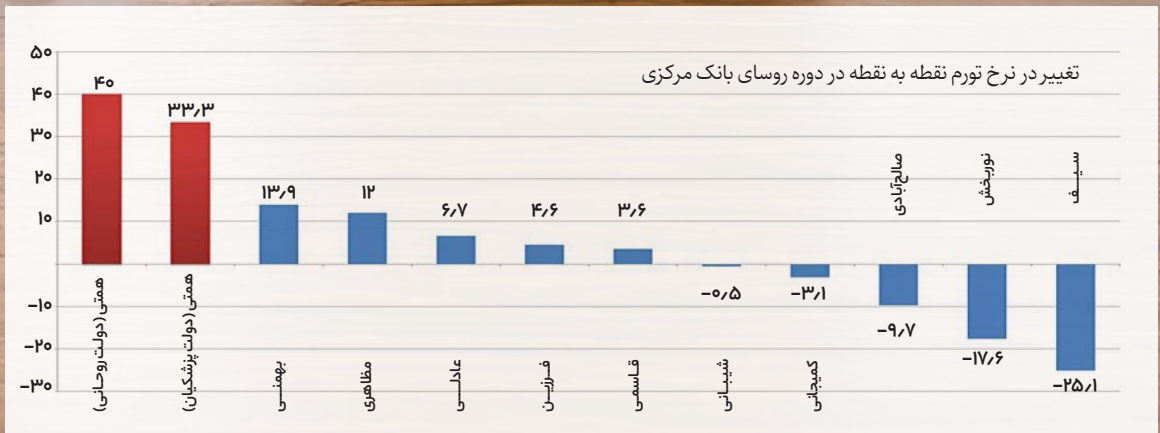
در حالی که در دولت پزشکیان و در دوره ریاست همتی بر بانک مرکزی، رشد نقدینگی به بالاترین رقم ۵۰ سال اخیر رسیده است، همتی با فرار به جلو مدعی شده که رشد ۶۶ درصدی نقدینگی در پایان خرداد ماه امسال، رشد باکیفیتی بوده است!

تورم به من مربوط نیست؟

🔴 **اواخر خرداد ماه امسال هم بانک مرکزی در جوابیه به روزنامه چارسوق اعلام کرد که افزایش تورم ربطی به عملکرد عبدالناصر همتی ندارد. بانک مرکزی همچنین ادعا کرده که با توجه به شرایط کشور راهکاری برای کاهش تورم وجود ندارد! بانک مرکزی همچنین به طور تلویحی بود و نبود رئیس کل بانک مرکزی را در وضعیت تورم بی فایده خوانده و همه مسائل را به شرایط تحریمی ربط داده است.**

کالابُرگ بہ من چہ؟

📰 همتی در روزهای اخیر در مصاحبه‌ای درباره تامین منابع کالابری تاکید کرد که این موضوع به بانک مرکزی مربوط نیست و بر عهده سازمان برنامه و بودجه و وزارت کار است. این در حالی است که در ابتدای کار که ارزش ۲۸۵۰۰ تومانی توسط دولت پزشکیان با هدایت همتی حذف شد، او بر جایگاه فرماندهی اقتصادی دولت نشست و همه وزرا و معاونان رئیس‌جمهور را به ساختمان بانک مرکزی فرا می‌خواند و دستورات اقتصادی صادر می‌کرد؛ اما به تدریج که اقتضای تصمیمات مشخص شد، خودش را کنار کشیده و می‌گوید بانک مرکزی مسئولیتی در زمینه کالابری ندارد.





دولت شهید رئیسی نرخ تورم به شدت پایین آمد اما یلافاصله با شروع دولت اصلاح طلب پزشکیان نرخ تورم مجددا صعودی شد و اکنون رکورد ۸۲ سال اخیر را زده است؟

آیا مشکلات مرزمن اقتصادی در دولت شهید رئیسی به تعطیلات رفته بودند و فقط در دوره هایی که اصلاح طلبان بر سر کار می آیند و همتی رئیس بانک مرکزی می شود فعال می شوند؟ آیا جز این است که اتخاذ سیاست های غلط آزادسازی خصوصا در بازار ارز که توسط همتی اجرا شده عامل بالاترین تورم ۸۲ سال اخیر ایران بوده است؟

دفاع از رکورد نقدینگی

در حالی که در دولت پزشکیان و در دوره ریاست همتی بر بانک مرکزی، رشد نقدینگی به بالاترین رقم ۵۰۰ سال اخیر رسیده است، همتی با فرار به جلومدعی شده که رشد ۵۶ درصدی نقدینگی در پایان خردادماه امسال، رشد باکیفیتی بوده است!

وی همچنین مقصران دیگری برای رشد نقدینگی برشمرده و گفته است: بانک مرکزی به تنهایی قادر به حل همه مشکلات اقتصاد ایران نیست و سیاست پولی نمی تواند جایگزین انضباط بودجه ای، اصلاح نظام انرژی، تسهیل تجارت و بهبود محیط سرمایه گذاری شود.

این اظهارنظر که نوعی خالی بندی است در حالی رخ داده که رشد بی رویه نقدینگی از عوامل مستقیم تورم است. ادعای همتی مثل این است که دولت پزشکیان بگوید بالاترین تورم ۸۲ سال اخیر، تورم باکیفیتی بوده است.

همتی اظهاراتش در دولت روحانی را فراموش کرده که در اردیبهشت ۱۴۰۰ اعلام کرد: چند دهه است که ریشه تورم در کشور، به نقدینگی برمی گردد.

به من چه؟

در حالی که همتی پس از حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی و پرداخت کالابرگ از دی ماه ۱۴۰۴، مسئولیت کارگروه اجرای آیین نامه تضمین امنیت غذایی و بهبود معیشت مردم را بر عهده گرفت و عملا فرماندهی اقتصادی دولت به دست او سپرده شد، پس از افتتاح این اقدام که به افزایش شدید قیمت ها منجر شد، او فرار از مسئولیت را در دستور کار قرار داد. بانک مرکزی پس از بالا گرفتن انتقادات نسبت به تبعات شدید تورمی حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی، اعلام کرد که مسئولیتی در این زمینه ندارد. همتی فراموش کرده که هر روز نیم اقتصادی دولت را در ساختمان بانک مرکزی جمع می کرد و فرمان های اقتصادی صادر می کرد اما اکنون که نتایج آن تصمیمات مشخص شده، تلاش دارد در بیگانه جلوه دهد.

همتی در روزهایی هم در مصاحبه ای درباره تامین منابع کالابرگ تاکید کرد که این موضوع به بانک مرکزی مربوط نیست و بر عهده سازمان برنامه و بودجه وزارت کار است.

درواقع در ابتدای کار که ارز ۲۸۵۰۰ تومانی توسط دولت پزشکیان با فرماندهی همتی حذف شد، او بر جایگاه فرماندهی اقتصادی دولت نشست و همه وزرا و معاونان رئیس جمهور را به ساختمان بانک مرکزی فرا می خواند و دستورات اقتصادی صادر می کرد؛ اما به تدریج که افتتاح این تصمیمات مشخص شد، خودش را کنارت کشیده و می گوید بانک مرکزی مسئولیتی در زمینه کالابرگ ندارد.



شود که این فشارها به رشد پایدار تورم منجر شود. این در حالی است که همتی در شهریور ۱۴۰۳ که وزیر اقتصاد دولت پزشکیان بود اظهار داشت که بانک مرکزی مسئول تورم است. او اخر خردادماه امسال هم بانک مرکزی در جوابیه به روزنامه چارسوق اعلام کرد که افزایش تورم ربطی به عملکرد عبد الناصر همتی ندارد. بانک مرکزی همچنین ادعا کرده که با توجه به شرایط کشور راهکاری برای کاهش تورم وجود ندارد!

بانک مرکزی همچنین به طور تلوچی بود و نبود رئیس کل بانک مرکزی را در وضعیت تورم بی فایده خوانده و همه مسائل را به شرایط تحریمی ربط داده است. این در حالی است که همتی زمانی که در دولت پزشکیان وزیر اقتصاد بود مدعی بود که بانک مرکزی مسئول کاهش تورم است. ضمن اینکه در ۴ دهه اخیر همه رؤسای بانک مرکزی، مسئولانه نسبت به وظایف خود از جمله کنترل تورم عمل کرده و هیچ کدام از رؤسای قبلی بانک مرکزی نگفته بودند من مسئول تورم نیستم و تا زمانی که مشکلات مرزمن اقتصاد هست و تحریم ادامه دارد از من کاهش تورم رانخواهید.

همتی با حواله دادن همه مشکلات تورمی کشور به تحریم ها مدعی شده است؛ منشأ تحریم با چنگ در اختیار بانک مرکزی نیست، وظیفه بانک مرکزی جلوگیری از تبدیل این شوک ها به تورم پایدار و خود تقویت کننده است.

همتی پاسخ نداده که چطور با وجود شرایط تحریمی در دولت شهید رئیسی آن دولت توانست تورم مواد غذایی را به ۲۴ درصد کاهش دهد در حالی که در دولت پزشکیان به ۱۳۴ درصد افزایش یافته است؟ آیا جز این است که دولت شهید رئیسی با اختصاص ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی مانع جهش تورمی این کالاها شد اما در دولت پزشکیان با هدایت شخص همتی، ارز ترجیحی حذف و فاجعه تورمی ایجاد شد اما اکنون تحریم ها را مقصر می داند.

همتی در تشریح ریشه های تورم مرزمن، به تعارض میان مطالبات دولت، بنگاه ها و مردم از منابع محدود اقتصاد اشاره کرده و گفته که بانک مرکزی روزانه با فشارهای ناشی از تأمین مالی دولت، بنگاه ها و حفظ قدرت خرید مردم مواجه است و باید مانع از آن همتی رئیس بانک مرکزی بود، در

دوره چند ماهه حضور همتی قیمت دلار ۵۸ هزار تومان افزایش یافته و از ۱۳۵ هزار تومان به ۱۹۳ هزار تومان رسیده است که معادل رشد ۴۳ درصدی است. این آمار ضعیف ترین عملکرد در بین رؤسای بانک مرکزی پس از انقلاب است.

تورم به من چه؟

۲۹ تیرماه همتی در یک سخنرانی، به جای پذیرش نقش خود در حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی که موجب تحمیل بالاترین تورم ۸۲ سال اخیر و کاهش قدرت خرید مردم شده است، ادعا کرد: بانک مرکزی مسئول ایجاد شوک های خارجی مانند تحریم، جنگ یا کاهش درآمدهای ارزی نیست و مسئولیت این نهاد جلوگیری از تبدیل این شوک ها به بی ثباتی و تورم ماندگار در اقتصاد است.

همتی در زمینه کنترل نرخ ارز تلاش دارد خود را فاقد مسئولیت جلوه دهد. او در ابتدای پذیرش مسئولیت بانک مرکزی در دی ماه ۱۴۰۴ مدعی شد که بانک مرکزی متولی نرخ گذاری ارز نیست و سایر نهاد ها متولی ارز هستند و بانک مرکزی در این زمینه مسولیتی ندارد.

همتی فراموش کرده بود که در زمان دولت شهید رئیسی بابت افزایش قیمت ارز چه حملاتی به بانک مرکزی می کرد. ضمن اینکه او در ابتدای دولت پزشکیان که وزیر اقتصاد بود و برای آزادسازی نرخ ارز تلاش می کرد و موجب شدن نرخ ارز در ۶ ماه نخست دولت پزشکیان ۵۰ درصد گران شود، چا خالی داد و گفت بانک مرکزی مسئول نرخ ارز است.

همتی همچنین پس از افزایش شدید قیمت دلار در دوره کوتاه مدیریتی خود تلاش کرد با آمارسازی، گرانی دلار را کمتر نشان دهد. ۲۲ اردیبهشت همتی مدعی شد که در ۴ ماهی که به بانک مرکزی آمده ارز فقط ۱۰ درصد گران شده است. این در حالی بود که تا آن زمان ارز ۳۰ درصد گران شده بود. ضمن اینکه تاکنون در

گزارش

اخیرا عبدالنصر همتی، رئیس بانک مرکزی دولت پزشکیان، در موضوعات مختلف اقتصادی از پذیرش مسئولیت فرار می کند و سایر دستگا ها را مسئول امور معرفی می کند.

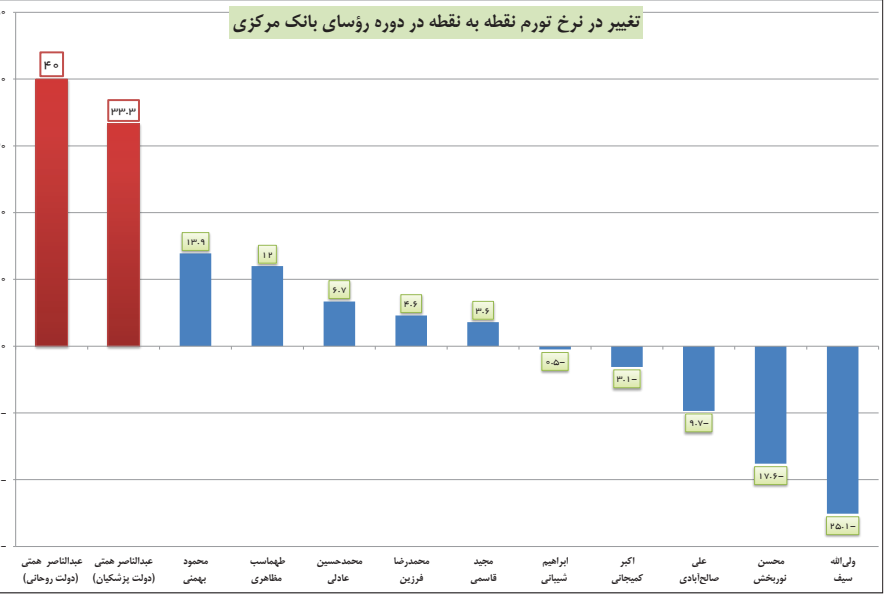
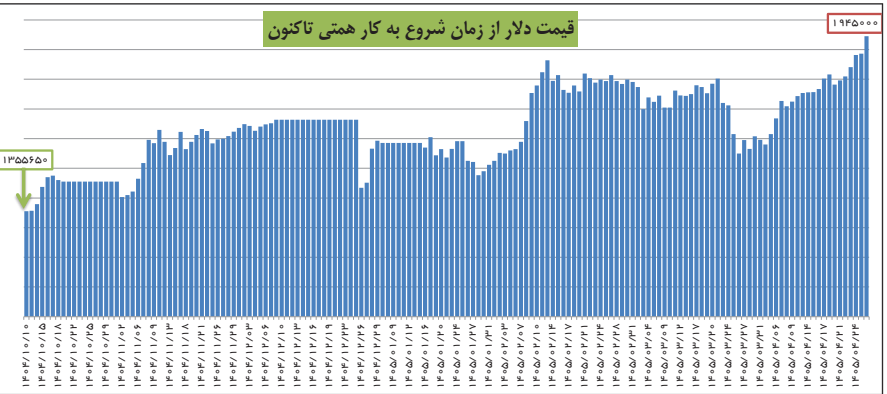
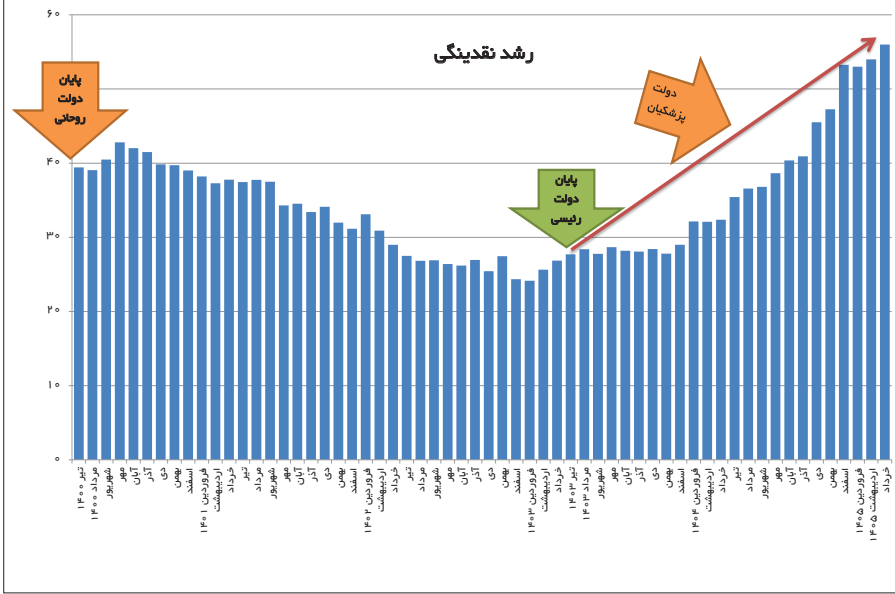
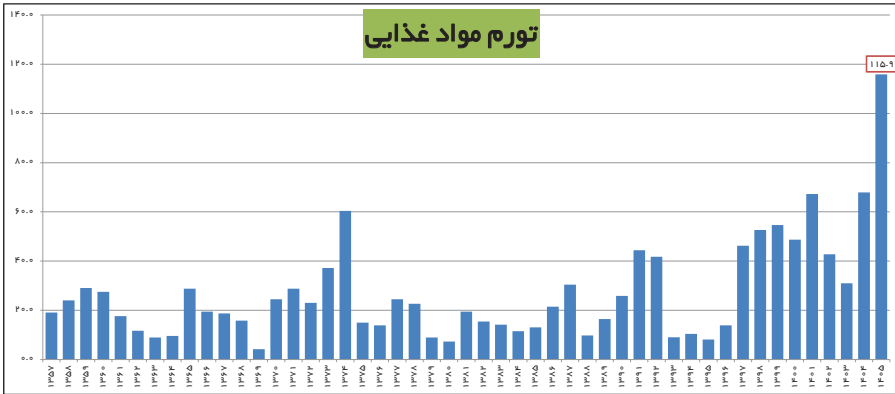
در حالی که همتی ضعیف ترین عملکرد در بین رؤسای بانک مرکزی پس از انقلاب را داشته و در شاخص های تورم، نقدینگی، پایه پولی و نرخ ارز فاجعه به بار آورده است، خودش را مبرا از پاسخگویی می داند.

ارز به همه مربوط است جز همتی

همتی در زمینه کنترل نرخ ارز تلاش دارد خود را فاقد مسئولیت جلوه دهد. او در ابتدای پذیرش مسئولیت بانک مرکزی در دی ماه ۱۴۰۴ مدعی شد که بانک مرکزی متولی نرخ گذاری ارز نیست و سایر نهاد ها متولی ارز هستند و بانک مرکزی در این زمینه مسولیتی ندارد.

همتی فراموش کرده بود که در زمان دولت شهید رئیسی بابت افزایش قیمت ارز چه حملاتی به بانک مرکزی می کرد. ضمن اینکه او در ابتدای دولت پزشکیان که وزیر اقتصاد بود و برای آزادسازی نرخ ارز تلاش می کرد و موجب شدن نرخ ارز در ۶ ماه نخست دولت پزشکیان ۵۰ درصد گران شود، چا خالی داد و گفت بانک مرکزی مسئول نرخ ارز است.

همتی همچنین پس از افزایش شدید قیمت دلار در دوره کوتاه مدیریتی خود تلاش کرد با آمارسازی، گرانی دلار را کمتر نشان دهد. ۲۲ اردیبهشت همتی مدعی شد که در ۴ ماهی که به بانک مرکزی آمده ارز فقط ۱۰ درصد گران شده است. این در حالی بود که تا آن زمان ارز ۳۰ درصد گران شده بود. ضمن اینکه تاکنون در



معادن مس ارمنستان کلید توسعه روابط تهران-ایران

واردکننده این فلز از ارمنستان ساخته می شود. در سال ۲۰۲۴ نیز ارمنستان ۶۲۴ میلیون دلار صادرات مس و ۲۵۴ میلیون دلار صادرات مولیبدن (کانی همراه مس) داشته است. درحال حاضر، تقاضای جهانی برای مس به عنوان یک فلز راهبردی رو به افزایش است و به دنبال آن ارزش این ماده معدنی نیز رشد قابل توجهی یافته؛ ازاین رو سرمایه گذاری در این حوزه می تواند بازدهی بالایی به همراه داشته باشد.

در چنین چارچوبی، ایران با ورود به سرمایه گذاری دسترس ترین روش توسعه روابط تجاری ایران با این کشور است. به طور میانگین، طی سال های گذشته، مس حدود یک سوم از کل صادرات ارمنستان را به خود اختصاص داده و چین نیز به عنوان بزرگ ترین

آمریکا در جنگ رمضان از خاک آنها به ایران حمله کرد؛ لذا برای ممانعت از توسعه حضور کشورهای غربی در ارمنستان ضرورت دارد. روابط ایران با ارمنستان علاوه بر سطح سیاسی در حوزه اقتصادی نیز توسعه باید. معادن (به ویژه مس) در ارمنستان نقش ویژه ای در اقتصاد این کشور ایفا می کنند؛ چراکه افزایش قیمت های جهانی مواد معدنی، کمک بالایی به اقتصاد ارمنستان که همواره در تنش بوده داشته است.

سرمایه گذاری ایران در معادن مس ارمنستان در دسترس ترین روش توسعه روابط تجاری ایران با این کشور است. به طور میانگین، طی سال های گذشته، مس حدود یک سوم از کل صادرات ارمنستان را به خود اختصاص داده و چین نیز به عنوان بزرگ ترین

و با وعده توسعه اقتصادی، حضور آمریکا در ارمنستان بیش از پیش توسعه یافت.

در ۱۷ مرداد ۱۴۰۴ روسای جمهور ارمنستان و جمهوری آذربایجان به همراه دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در کاخ سفید بیانیه ای را امضا کردند که به موجب آن آمریکا کردیدرو جلی زنگرور را با عنوان جدید «مسیر ترامپ» در قالب یک پروژه اقتصادی ایجاد می کند. بررسی های نشان می دهد طرح «مسیر ترامپ» مقدمه ای برای حضور گسترده تر آمریکا حتی در ابعاد نظامی-امنیتی نظامی آمریکا در مجاورت مرزهای ایران است. این حضور، دقیقاً همان تهدیدی را بازتولید می کند که در کشورهای حاشیه خلیج فارس به واسطه حضور نظامی آمریکا علیه ایران ایجاد شده است؛ جایی که

با این حال امروز دو کشور روابط تجاری گسترده ای با یکدیگر ندارند؛ به طوری که کل روابط تجاری ایران و ارمنستان از زمان فروپاشی شوروی تاکنون، فراتر از ۷۴۰ میلیون دلار در سال نرفته است. درواقع سهم ایران از تجارت خارجی ارمنستان کمتر از ۴ درصد است. عدم توسعه روابط تجاری و اقتصادی ایران با ارمنستان سبب شده است این کشور کوچک و محصور در خشکی، آسیب دیده و ضعیف شود. به همین دلیل نیز ایران در سال های گذشته، نیازمند کمک های اروپا و آمریکا برای اداره امور و نیز توسعه زیرساخت های خود شده است. این کمک ها نیز بدون هزینه نبوده و با تغییرات سیاسی و اجتماعی، این کشور را به غرب متمایل و وابسته کرده است. ازاین رو پس از جنگ دوم قره باغ

سرمایه گذاری ایران در معادن مس ارمنستان که عمدتاً در استان سیونیک قرار دارند، ضمن اینکه می تواند باعث تقویت روابط تجاری اقتصادی با ارمنستان شود، منافع سیاسی و امنیتی تهران را در قفقاز جنوبی نیز ارتقا می دهد.

ایران و ارمنستان از پیشینه تاریخی و نیز سطح بالای روابط سیاسی و اجتماعی برخوردار هستند. از سوی دیگر ایران همسایه ای راهبردی برای ارمنستان محسوب می شود؛ چراکه ارمنستان توسط همسایه شرقی و غربی خود یعنی جمهوری آذربایجان و ترکیه تحت فشار بوده و ایران همواره مسیر امن برای تبدیل تجاری و غیر تجاری ایران بوده است. درواقع ایران در حدود چهار دهه مانع از خفگی ژئوپلیتیکی ارمنستان شده است.

سامانه املاک در پلاتکلیفی؛ نبود ضمانت اجرایی قانون سقف اجاره رابی اثر کرد

عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی گفت: به نظر می رسد وزارت راه و شهرسازی بیش از آن که به حل ریشه ای مشکلات بازار مسکن بپردازد، درگیر مسائل شکلی شده و اراده کافی برای تکمیل سامانه املاک و اسکان وجود نداشته است.

حبیب قاسمی، عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی درباره نارضایتی مستأجران از اجرا نشدن قانون سقف افزایش اجاره بها اظهار داشت: بنده به طور کلی نسبت به این قانون منتقدم، زیرا چنین قوانینی اگر ضمانت اجرایی محکمی نداشته باشند، هم جایگاه قانون، هم شان قانون گذار و هم فرآیند قانون گذاری را زیر سؤال می برند. قانونی که مبتنی بر داده های دقیق و متقن نباشد، در عمل موفق نخواهد بود.

وی افزود: رهبر شهید همواره تاکید می کردند که قوانین باید محکم و متقن نوشته شوند. در موضوع مسکن نیز شورای عالی مسکن موظف است هر سال بر اساس شرایط عرضه و تقاضا، نرخ های منطقی و معقول را تعیین کند تا هم حقوق موجر و هم مستأجر رعایت شود. سال گذشته سقف افزایش اجاره بها ۲۵ درصد تعیین شد اما این سیاست موفقیت چندانی نداشت. البته به دنبال شرایط ناشی از جنگ، شورای عالی امنیت ملی بنا به درخواست وزارت راه و شهرسازی، اجرای این مصوبه را دو ماه تمدید کرد تا در اوج فصل جابه جایی مستأجران، مبنایی برای قراردادهای وجود داشته باشد. عضو کمیسیون عمران مجلس ادامه داد: نخستین پرسش این است که اگر موجری زیر بار اجرای سقف ۲۵ درصدی نرفت، چه ضمانت اجرایی یا ابزار قانونی برای الزام او وجود دارد؟ پاسخ مشخصی برای این سؤال وجود ندارد. از سوی دیگر، ما حتی آمار دقیقی از تعداد موجران و مستأجران کشور نداریم. وقتی داده های پایه در اختیار نباشد، نمی توان انتظار داشت قانون به درستی اجرا شود. اکنون صحبت از حدود شش میلیون خانوار مستأجر است اما اطلاعات دقیق و به روزی از وضعیت بازار اجاره وجود ندارد.

نماینده مردم شهرضا با اشاره به ضعف زیرساخت های اطلاعاتی گفت: یکی دیگر از مشکلات، اجرا نشدن کامل سامانه املاک و اسکان است. طبق قانون، بسیاری از خدمات دولتی باید به ثبت اطلاعات مکانی افراد وابسته باشد اما این اتفاق هنوز به طور کامل رخ نداده است. همچنین سامانه های مرتبط با قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول هنوز به طور کامل میان دستگاه های مختلف از جمله شهرداری ها متصل نشده اند. در حالی که بیش از یک سال است در کمیسیون اصل ۹۰ جلسات مستمری برای پیگیری این موضوع برگزار می شود اما همچنان این زیرساخت به سرانجام نرسیده است.

وی افزود: در نبود یک سامانه جامع، امکان نظارت دقیق بر قراردادهای اجاره وجود ندارد. افراد می توانند خارج از سامانه و حتی در منزل خود قرارداد تنظیم کنند، بدون آن که اطلاعات آن ثبت شود. این مسئله نظارت بر بازار را دشوار کرده و اجرای قانون را با مشکل مواجه کرده است.

عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس اظهار داشت: یکی دیگر از خلاهای قانون این است که اگر موجری به دروغ ادعا کند به ملک خود نیاز دارد و به همین بهانه مستأجر را مجبور به تخلیه کند، هیچ سازوکار موثری برای راستی آزمایی این ادعا وجود ندارد. در چنین شرایطی مستأجر ناچار به ترک منزل می شود و مالک نیز می تواند همان واحد را با مبلغی بسیار بالاتر اجاره دهد، بدون آن که نهادی این موضوع را بررسی کند؛ زیرا اطلاعات قراردادهای به صورت کامل ثبت نشده است. وی تاکید کرد: تا زمانی که این اشکالات برطرف نشود، نمی توان فقط با صدور دستور، مشکلات مستأجران را حل کرد؛ البته بسیاری از مالکان با وجدان و انصاف، امسال به دلیل شرایط اقتصادی و اتفاقات اخیر، اجاره بها ی واحد های خود را افزایش نداده اند اما اجرای قانون نباید وابسته به رفتار شخصی افراد باشد.

قاسمی با انتقاد از عملکرد دولت در اجرای این قانون گفت: اگر بخوایم به عملکرد اجرای این قانون نمره بدهم، نمره ای کمتر از ۱۰ می دهم. امروز کدام مستأجر می تواند از طریق یک سامانه مشخص شکایت کند و در کوتاه ترین زمان به نتیجه برسد؟ اگر روند رسیدگی شش ماه طول بکشد، تا آن زمان مستأجر خانه خود را از دست داده و وسایلیش در خیابان خواهد بود.

بیشترین مسئولیت بر عهده وزارت راه و شهرسازی است

وی درباره میزان مسئولیت وزارت راه و شهرسازی در این زمینه اظهار داشت: این موضوع یک مسئله بین بخشی است اما بیشترین مسئولیت بر عهده وزارت راه و شهرسازی است. به نظر می رسد این وزارتخانه بیشتر به مسائل شکلی پرداخته تا حل ریشه ای و محتوایی مشکلات. سامانه املاک و اسکان در اختیار وزارت راه و شهرسازی است و با وجود گذشت نزدیک به دو سال از آغاز فعالیت وزیر، انتظار می رفت جلسات متعدد و هماهنگی های لازم با دستگاه های مختلف برای تکمیل این سامانه انجام شود.

این نماینده مجلس ادامه داد: مجلس، به ویژه کمیسیون اصل ۹۰، با جدیت پیگیر راه اندازی کامل سامانه املاک و اسکان بوده؛ سامانه ای که می تواند علاوه بر ساماندهی بازار مسکن، در کاهش هزینه ها، بهبود نظارت، اخذ مالیات از خانه های خالی، کاهش ترافیک، صرفه جویی اقتصاد و بسیاری از حوزه های دیگر مؤثر باشد. با این حال، به نظر می رسد اراده کافی برای تکمیل و اجرای آن وجود نداشته است.

قاسمی گفت: مسئول باید درد مردم را لمس کنند. کسی که مستأجر نیست، شاید سختی پیدا کردن یک خانه با حقوق ۳۰ میلیون تومانی و دویعه های میلیاردی را درک نکند. نتیجه این وضعیت، افزایش حاشیه نشینی، مهاجرت به اطراف شهرها، سکونت در بافت های فرسوده و در نهایت بروز آسیب های اجتماعی متعدد است؛ پیامدهایی که هزینه آن را کل جامعه خواهد پرداخت.



افزایش ۸ درصدی تولید با وجود شرایط جنگی فولاد بافت رکورد تولید خود را شکست

به گزارش روابط عمومی گروه مالی گردشگری، شرکت احیا استیل فولاد بافت در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۵ با تولید بیش از ۳۸۰ هزار تن اسفنجی، رکورد جدیدی در تولید این محصول به ثبت رساند و نسبت به مدت مشابه سال گذشته، رشد بیش از ۸ درصدی را محقق کرد.

مدیرعامل شرکت احیا استیل فولاد بافت با اشاره به این دستاورد، برنامه ریزی منسجم، بهره‌گیری از توان نیروهای متخصص بومی، تداوم فعالیت خطوط تولید، تأمین برق آزاد و همکاری مدیران استانی و شهرستانی را از عوامل اصلی افزایش تولید عنوان کرد و افزود: از ابتدای شرایط ویژه اخیر، هیچ‌گونه تعدیل نیرویی در این مجتمع انجام نشده و حقوق و مزایای کارکنان نیز به صورت منظم پرداخت شده است؛ موضوعی که به حفظ انگیزه کارکنان و تداوم تولید کمک کرده است.



پروژه‌های بپینه‌سازی انرژی با گواهی‌های جدید تأمین مالی می‌شوند

بپینه‌سازی انرژی در آستانه ورود به مرحله‌ای تازه قرار گرفته؛ مرحله‌ای که در آن «صرفه‌جویی انرژی» از یک اقدام فنی به یک دارایی مالی قابل معامله تبدیل می‌شود. انتشار گواهی‌های صرفه‌جویی انرژی در بورس، علاوه بر ایجاد ابزار جدیدی برای تأمین مالی پروژه‌های کاهش مصرف، می‌تواند سرمایه‌های بخش خصوصی را به سمت رفع ناترازی انرژی هدایت کرده و یکی از مهم‌ترین احکام برنامه هفتم را وارد فاز اجرایی کند.

یکی از مهم‌ترین ابزارهای مالی پیش‌بینی شده در برنامه هفتم پیشرفت برای کاهش مصرف انرژی، در آستانه ورود به مرحله اجرا قرار گرفته است. بر اساس بند «پ» ماده ۴۴ قانون برنامه هفتم، سازمان بپینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی مکلف شده است با صدور «گواهی صرفه‌جویی انرژی»، زمینه تأمین مالی طرح‌های بپینه‌سازی مصرف انرژی و توسعه بازار این گواهی‌ها را از طریق بورس انرژی فراهم کند.

مطابق این حکم قانونی، گواهی‌های صرفه‌جویی انرژی به صورت بی‌نام، قابل انتقال و قابل معامله در بورس انرژی منتشر می‌شوند و دارندگان آن‌ها علاوه بر خرید و فروش، می‌توانند از این گواهی‌ها برای تسویه هزینه مصرف برق یا گاز و حتی پرداخت مالیات تا سقف بهای مصرف انرژی استفاده کنند؛ موضوعی که می‌تواند بازار جدیدی را برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بپینه‌سازی مصرف انرژی ایجاد کند.

در همین خصوص، یاسر میرزایی، معاون سازمان بپینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصاد معاصر اظهار کرد: نخستین گواهی‌های صرفه‌جویی انرژی تا پایان تیرماه به نام سازمان منتشر خواهد شد.

وی با اشاره به اجرای ماده ۴۴ قانون برنامه هفتم گفت: گواهی‌های صرفه‌جویی در دو قالب منتشر می‌شوند. دسته نخست مربوط به پروژه‌هایی است که صرفه‌جویی انرژی در آن‌ها محقق شده و سرمایه‌گذار بر اساس عملکرد خود مستحق دریافت گواهی است.

میرزایی افزود: دسته دوم، گواهی‌های پیشینی است که پیش از تحقق صرفه‌جویی صادر می‌شود و نقش ابزار تأمین مالی پروژه‌ها را برعهده دارد. در این روش، سرمایه‌گذار با ارائه تضمین لازم، گواهی را پیش از اجرای کامل پروژه دریافت می‌کند و از محل فروش آن، منابع مالی مورد نیاز برای اجرای طرح را تأمین خواهد کرد.

وی تصریح کرد: هدف تسهیلان این است که پروژه‌هایی با بیشترین انرژی‌ذاری در کاهش مصرف انرژی، از طریق انتشار این گواهی‌ها سریع‌تر وارد مرحله اجرا شوند.

معاون سازمان بپینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی با بیان اینکه حجم اولیه انتشار گواهی‌ها متناسب با میزان صرفه‌جویی محقق شده خواهد بود، گفت: در ادامه، گواهی‌های پیشینی نیز برای پروژه‌های جدید منتشر می‌شود تا بازار بپینه‌سازی انرژی به تدریج عمق بیشتری پیدا کند.

میرزایی همچنین از تسریع فرآیند پذیرش این گواهی‌ها خبرداد و افزود: با همکاری وزارتخانه‌های نفت و نیرو، سازمان بورس و بورس انرژی، فرآیندهایی که معمولاً چند ماه زمان نیاز داشت، طی دو هفته گذشته نهایی شده و اکنون در مراحل پایانی قرار دارد.

وی ابزار صدورای کرد نخستین گواهی‌های صرفه‌جویی انرژی تا پایان تیرماه منتشر شود و بازار این ابزار مالی رسماً فعالیت خود را آغاز کند. لازم به ذکر است، اجرای بند «پ» ماده ۴۴ برنامه هفتم را می‌توان یکی از مهم‌ترین اصلاحات ساختاری در حوزه انرژی کشور دانست؛ چراکه برای نخستین بار صرفه‌جویی انرژی به یک دارایی مالی قابل معامله تبدیل می‌شود. این سازوکار می‌تواند بدون اتکا به منابع بودجه‌ای دولت، سرمایه بخش خصوصی را به سمت پروژه‌های کاهش مصرف انرژی هدایت کند. از سوی دیگر، انتشار گواهی‌های پیشینی عملاً نقش یک ابزار تأمین مالی مشابه اوراق بهادار را ایفا می‌کند. سرمایه‌گذار پیش از تحقق صرفه‌جویی، امکان تأمین منابع اجرای پروژه را پیدا می‌کند و پس از تحقق تعهدات، گواهی‌ها تسویه می‌شوند. در صورت شکل‌گیری بازار عمیق برای این گواهی‌ها، یکی از مهم‌ترین موانع توسعه پروژه‌های بپینه‌سازی انرژی یعنی کمبود منابع مالی، تا حد زیادی برطرف خواهد شد.

Charsoogh newspaper

■ دوشنبه ۵ مرداد ۱۴۰۵ ■ سال دوم ■ شماره ۵۱۶

نبض اقتصاد

را در دست بگیرید



تجلی دست‌فرمان تسلیم‌طلبانه اصلاحات در مقاله جدید ظریف

تسلیم با روتوش صلح

گزارش

مهدی عالی

هرگاه نبرد به نقاطی می‌رسد که ایالات متحده به فرصتی برای تنفس احتیاج پیدا می‌کند، به ناگاه مقاله‌ای از ظریف در فارن افرز منتشر می‌شود که عصارهٔ فحواۗی آن چیزی جز «به‌دیم‌برود» نیست. امتیازدهی‌هایی که اگرچه نقد است اما در برابر آن تنها رویاهای نسیه دریافت می‌شود. گویی که بروی عده‌ای هنوز هم رویکرد سنتی «چماق و هویج» کار می‌کند!

محمد جواد ظریف، وزیر اسبق امور خارجه ایران که بارها و بارها ادراک غلط او از مسائل و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی منافع ملی ایران را به‌خطر انداخته، باری دیگر با مقاله‌ای جدید در فارن افرز همان حرف‌های پیشین را این بار با ادبیاتی دیگر تکرار کرده است. حرف‌هایی که منتهی‌الیه همهٔ آنها «تسلیم» و «به‌دیم‌برود» در برابر خواسته‌های آمریکاست، اما با روتوش «صلح» و «خوشتن داری»!

فی‌المثل او در مقاله پیشین خود به فارن افرز، همان‌هایی را بیان کرد که جلوه‌ای از مقالهٔ جدید او به حساب می‌آید: «ایران می‌تواند پیشنهاد دهد که در ازای پایان همه تحریم‌ها، محدودیت‌هایی بر برنامه هسته‌ای خود اعمال کند و تنگه هرمز را بازگشایی نماید.» با این حال، این بار ظریف صریحاً از لزوم «خوشتن داری ایران» سخن به میان آورده و تلویحاً بیان کرده که در ازای رفع فشارهای تنگه هرمز راه را کند. گویی که تنگه دیگر هیچ تأثیری بر ملاحظات استراتژیک نداشته و رهایی آن متعجربه‌رهای پرونده ایران از سوی واشینگتن خواهد شد!

ظریف نوشته است: «تهران باید خوشتن داری پیشه کند؛ درست همان گونه که دیگر کشورها نیز باید از اقدامات اقتصادی و سیاسی و نظامی که می‌توانند منافع ایران در تنگه را به‌خطر بیندازند خودداری کنند. این اقدامات شامل تحریم‌هایی هستند که عملاً ایران را از بهره‌برداری از آزادی کشتیرانی محروم می‌کند، یا ایجاد ائتلاف‌های دیپلماتیک علیه ایران و یا ارسال تجهیزات نظامی مخل امنیت ایران از طریق تنگه هرمز.» در واقع عصاره مطلب همانی است که پیش‌تر گفته بود: رهایی نقد تنگه ماه‌ها از نسیه رفع تحریم و کاهش فشارها. توهمانی که اگر رنگ و بویی از واقعیت داشت، از دست‌پخت ابعینی به‌برام به عنوان «خسارت محض» یا د نمی‌شد!

درگیری جدید در خاورمیانه قیمت نفت را به ۱۵۰ دلار می‌رساند

بررسی کارشناسان انرژی نشان می‌دهد در صورت درگیری جدید در خاورمیانه قیمت نفت می‌تواند به ۱۵۰ دلار برسد. به گزارش سی‌ان‌ان: بازار نفت تاکنون مقاومت زیادی از خود نشان داده، اما این تاب‌آوری اکنون با بزرگ‌ترین تهدید خود از زمان آغاز جنگ علیه ایران روبرو شده است. اقدامات و راهکارهای جایگزین صنعت انرژی برای عبور از بزرگ‌ترین شوک نفتی تاریخ، مصرف‌کنندگان را به بحران تورم و کاهش قدرت خرید تا حد زیادی مصون نگه داشته است. در طول دوره جنگ، قیمت نفت خام به سطح بالایی افزایش یافت، اما هرگز به‌مرز ۱۲۰ دلار در هر بشکه که در سال ۲۰۲۲ ثبت شد، با رکورد تاریخی ۱۴۶ دلاری درست‌پیش از رکود بزرگ سال ۲۰۰۸، نزدیک نشد، با این حال، فشارهای فوق‌العاده‌ای در منطقه خاورمیانه در حال شکل‌گیری است و تشدید جدید تنش‌ها ممکن است قیمت نفت را از این نقاط عطف نیز فراتر ببرد.

درگیری جدید خطرناک‌تر است

هلیما کرافت، رئیس استراتژی جهانی در شرکت آربی‌سی کپیتال مارکتس، در این رابطه اظهار داشت: «درگیری وارد مرحله‌ای به مراتب خطرناک‌تر شده است. امر این می‌تواند طرز فکر گروهی را که معتقدند بازار همواره راهکاری جایگزین پیدا کند را درگرو می‌سازد.»

روز پنجشنبه، قیمت نفت برای نخستین بار از ماه می، از مرز ۱۰۰ دلار عبور کرد. بهای بنزین اکنون به‌طور قطع بالای ۴ دلار و قیمت گازوئیل بیش از ۵،۲۰ دلار در هر گالن است. بازار اوراق قرضه نیز نشان می‌دهد که نگرانی‌ها از مسئله تورم، اکنون بیش از هر زمان دیگری در دوره دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ، جدی‌تر شده است. همه عواملی که طی پنج ماه گذشته از جهش قیمت نفت جلوگیری کرده بودند، با تضعیف شده‌اند و با یک‌دیگر از میان رفته‌اند و اکنون خطر افزایش بی‌سابقه قیمت نفت، در آستانه شکستن تمامی محدودیت‌ها قرار دارد.

مسیرهای خروج نفت

وضعیت پیشین: نفت از طریق دریای سرخ و درون در منطقه درگیری عبور داده می‌شد.

به‌ویژه در مورد تنگه هرمز، دانسته که منجر به درگیری شده است. با این حال وزیر اسبق امور خارجه هنوز هم متوجه این موضوع نشده که در اصل، بی‌ای جنگ در میان است نه صرفاً یک برداشت متفاوت که بتوان با رفع آن، زمینه همکاری‌های ژوئایی از جمله بازسازی با توهم «سرمایه‌گذاری ۳۰۰ میلیارد دلاری» را فراهم کرد. جنگی برسر تحمیل داده‌ها و تفسیرهای مطلوب از مفاد و موضوعات مذکور در تقاضنامه که در موعد کنونی، بازگشتن تنگه هرمز به موقعیت پیشا‌جنگ از جمله خواسته‌های آمریکاست.

نکته دیگر آنکه از منظر آمریکایی‌ها، جنگ با ایران تجلی یک «بازی با حاصل جمع صفر» است. بدین معنا که هرگونه افزایش قدرت ایران، کاهش قدرت آمریکا و متحدین آن خواهد بود که تسلط ایران بر تنگه هرمز هم شامل همین قاعده می‌شود. به همین علت تصورات ظریف‌وار از امکان رفع تحریم توسط آمریکا و خروج این کشور از منطقه آن هم «از مسیر دیپلماتی، دستیابی به یک توافق صلح نوین و شکل‌گیری یک ساختار امنیتی منطقه‌ای در ورون‌ها» که منجر به افزایش قدرت ایران در منطقه می‌شود علت، اگرچه جنگ کنونی، جنگ تعیین نظم امنیتی منطقه‌ای است، اما در نگاهی کلان‌تر، جنگی بر سر آینده و هم‌رونی بر نظام بین‌الملل نیز می‌باشد که تمایل آمریکا بر کاهش فشارها علیه ایران را به‌رویا بدلد می‌کند. همانگونه که در طی یک ماه‌ا اخیر دیده شد، واشینگتن حاضر نیست به هر تعهدی که قدرت ایران را افزایش بدهد عمل کند و به همین دلیل، تقاضنامه به مرگ دچار شد.

در حقیقت، به‌تعبیر جان مرشایمر در کتاب ترازوی سیاست قدرت‌های بزرگ، «تاکتیک دولت نادان فرصت مناسب برای کسب هم‌رونی نظام بین‌الملل را از دست می‌دهد» و این بدیهی است که دولتی همانند آمریکا که پیش‌تر در چنین جایگاهی قرار داشته، آنقدر نادان نیست که اجازه دهد چین دست برتر را در رقابت با خود پیدا کند. این کلان‌نصوری است که ظریف کماکان از درک آن برخوردار نشده است.

نرمالیزاسیون نرم

مقاله اخیر ظریف و صحبت‌های سید محمد خاتمی، نمود بارزی از دست‌فرمان جدید اصلاح‌طلبان

تسلیم با روتوش صلح

درگیری جدید در خاورمیانه قیمت نفت را به ۱۵۰ دلار می‌رساند



انجمن بازار لویدز در بندی که به تازگی در سیاست‌های حمل‌ونقل قرار داده است، اعلام کرده است که این اقدام، ریسکی غیرقابل قبول برای بیمه‌گران ایجاد می‌کند، چراکه پرداخت عوارض به ایران به دلیل نقض تحریم‌های آمریکا، اقدامی غیرقانونی محسوب می‌شود. پرداخت این عوارض می‌تواند به ابطال کل بیمه‌نامه یک کشتی منجر شود و ریسکی بی‌سابقه برای شرکت‌های حمل‌ونقل ایجاد کند. از آنجا که ایران در برخی خودداری حاکمیت بر تنگه هرمز با فشاری می‌کند، عملاً هیچ مسیر امنی برای خروج کشتی‌ها از این آبراه وجود نخواهد داشت.

گسترش دامنه درگیری

وضعیت پیشین: مناقشه نفتی به خاورمیانه محدود بود. وضعیت کنونی: روسیه به بخش قابل توجهی از معادله انرژی تبدیل شده است.

حملات پهادی اوکراین به بالاشانگ‌های روسیه و پایانه خط لوله خزر در دریای سیاه، بحران جدید و قابل توجهی را به‌پاراز جهانی انرژی افروده است، این حملات باعث ایجاد کمبود شدید سوخت در روسیه شده و این کشور را به اعمال ممنوعیت صادرات گازوئیل کشاننده است. این ممنوعیت، حجم عظیمی از سوخت بازار راز جهانی

است که از نرمال شدن و یا به تعبیر دقیق‌تر هضم شدن ایران در نظم مسیریایی از طریق مسیرهای سخت ناامید شده و رو به «نرمالیزاسیون نرم» آورده‌اند. از این چشم‌انداز، تصور می‌شود که ایران کنونی و دارای استقلال می‌تواند با آمریکایی که صرفاً تسلط خود با نیروی نیابتی‌اش یعنی اسرائیل را بر منطقه می‌پذیرد همکاری کرده و به عادی‌سازی روابط برسد. کلید رمز این‌گونه تفکر نیز به‌طور مشهودی قایم شدن پشت الفاظ «صلح» و «خوشتن داری» است

که توسط خاتمی و ظریف پیش‌تر مطرح شده است!

با این وجود، آنچه که از رفتار طرف آمریکایی مشاهده می‌شود این است که درب این کشور کماکان برپاشنه «تسلیم‌طلبی» می‌چرخد. تسلیمی که اگرچه شاید قدم اول آن وعده‌های فریبنده ۲۰۰ میلیارد دلاری باشد، اما ایستگاه پایانی آن چیزی جز مقصود اصلی آمریکا در جنگ اخیر نخواهد بود: تجزیه ایران.

در حقیقت، ایران از ظرفیت‌هایی برخوردار است که از منظر آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها باقی‌ای به همین شکل به صورت بالقوه نهدیدی برای منافع ایشان خواهد بود. از این روی، آنچه که ظریف و خاتمی و دیگر خیال‌با فان اصلاح‌طلب نمی‌توانند دریابند این است که نرمال شدن ایران بدون تجزیه آن همانند تصور نوشیدن زهر کشنده است با این توقع که به مرگ منجر نشود!

به همین دلیل، این بیان ظریف که «ایالات متحده باید تمامیت ارضی ایران را به رسمیت بشناسد» چیزی بیش از تجلی کج‌فهمی او از تحولات کلان سیاسی و ژئوپلیتیک نیست. چراکه اساساً ایالات متحده نمی‌تواند چنین چیزی را بپذیرد و بر همین اساس در جنگ رمضان با حمایت از کردها بنا بود روند تجزیه ایران آغاز بشود. متأسفانه باید اذعان کرد که وزیر امور خارجه ایران در دولت روحانی، هنوز از اولیات سیاست هم چیزی نمی‌فهمد که جلوه‌های این موضوع در دوره وزارتش نیز دیده‌ایود.

از عجایب: دکان رویا فروشی در لحظه نبرد

نکته عجیب پیرامون مقالات ظریف و اساساً پروژه‌های اصلاح‌طلبانه این است که هرگاه ایران در میدان نبرد دست برتر را پیدا می‌کند، موجی جدید از نسخه‌های خیال‌افانه و غرب‌گرایانه پدیدار می‌شود که اگرچه از ادبیاتی صلح‌طلبانه برخوردار است، اما جوهره‌شان چیزی جز بیان ضعف‌ها و ترس‌ها در جهت تسلیم شدن در برابر خواسته‌های آمریکاست.

به تعبیر دیگر، هرگاه ایران تلاش می‌کند تا از منافع و حقوق خود پاسداری کند و موقعیت استراتژیک خود را تثبیت کند متعاقباً به شکلی رموز رویای در جماعت غرب‌زده عیان می‌شود که فحواۗی آن رها کردن همه دستاوردهاست تا مبادا بر امر ایتروری آمریکا خدشه‌ای وارد شود! از همین حیث است که جواد ظریف تلاش ایران برای ایجاد رژیم حقوقی جدید در تنگه هرمز را

«پیکربندی حاصل دست‌یابی به اهرم‌های بیشتر» می‌داند.

گویی که از منظر ظریف و دیگر اصلاح‌طلبان، جمهوری اسلامی باید دست از مقاومت در برابر مجاورین به ایران بردارد و امکان هرگونه اقدامی را به ایشان بدهد. البته اگرچه این موضوع به‌طور صریح از جانب ایشان بیان نمی‌شود، اما وقتی چرخه «به‌دیم‌برود» شروع به چرخیدن کرد، پس از تنگه هرمز لایدمی‌یاست با هسته‌ای و حتی جزایر سه‌گانه نیز دواغ گفت تا مبادا با آمریکایی که لیهت آن در دنیا، آمده در چشم اصلاح‌طلبان شکسته شد سراخ‌شویم!

به خلاصه می‌شود گفت، از منظر غرب‌گرایان به جای درگیر شدن با بت ایشان یعنی آمریکا باید همواره امتیازی را تقدیم کرد تا بلکه از فیتل آن‌ان رویاهای فراوان و نه فرصت‌های عینی و واقعی برخوردار شد. رویاهایی که بنا بود بیش از ده سال قبل جرخ اقتصاد و ساتنر فیوضه‌ها را بچرخانند. اما چرخ خود آن معاهده توهمی‌زای به‌برام هم توسط ترامپ شکسته شد.

این موضوع برای آمریکاییه یک چالش ویژه تبدیل شده است: ذخیره استراتژیک نفت خام آمریکا از بهار اسال تاکنون با ۱۱۶ میلیون بشکه کاهش، به پایین‌ترین سطح خود از سال ۱۹۸۳ رسیده است. این کشور تنها ۶۰ میلیون بشکه ذخیره‌گیری برداشت دارد تا به‌کف تعیین شده‌از سوی کشور برسد. همچنین، ذخایر تجاری فارس صا در به حداقل عملیاتی خود نزدیک می‌شود: حدی که فراتر از آن، اصول فیزیکی اجازه نمی‌دهد که نفت صرفاً با نیروی جاذبه‌ای از طریق خطوط لوله جریان یابد. دونالد ترامپ در ماه ژوئن این وضعیت را فاجعه‌ای اقتصادی توصیف کرد که ممکن است او را با هربرت هوور، رئیس جمهور دوران رکود بزرگ، مقایسه کنند. و این بار، نفتی که در تنگه هرمز در محاصره ایران است، نمی‌تواند راه‌نجاتی باشد. در ماه ژوئن، در طول دوره کوتا‌آتش‌بس، بیش از ۲۰۰ میلیون بشکه نفت از تنگه خارج شدند. اما به گفته نویسنده، تحلیلیگر شرکت کپلر، در حال حاضر تنها ۴۴ کشتی در داخل تنگه قرار دارند. در حالی که این عدد درست‌پیش از امضای تقاضنامه، ۹۷ فروند بود.

۵. مسئله زمان‌بندی وضعیت پیشین: چین به میزان کافی نفت در انبارهای خود دارد تا از بحران عبور کند. وضعیت کنونی: تقاضا برای نفت در پنج ماه گذشته به شدت کاهش یافت که عمدتاً به دلیل آئیند نگرۗی چین در ذخیره‌سازی نفت پیش از آغاز جنگ بود بدین ترتیب از واردات با قیمت بالا اجتناب کند. اما به گفته خانم کائوا، چین نمی‌تواند برای مدت طولانی‌تری سس تا چهار ماه فرصت دارد تا تابیش از آنکه ناچار به افزایش واردات شود. بنابراین، بازار نفت اکنون در حال یک مسابقه با زمان است. قیمت‌ها با توجه به اصول بنیادین عرضه و تقاضا، همچنان در سطحی نسبتاً پایین باقی مانده‌اند و کاهش تقاضا هنوز تا حد زیادی در محدودیت‌های عرضه غلبه دارد.



اختلال هم‌زمان در سه مسیر عرضه؛ قیمت نفت تحویل فوری به ۱۱۰دلار رسید

هم‌زمانی اختلال در تنگه هرمز، ناامنی دریای سرخ و توقف بخشی از صادرات قزاقستان، بازار نفت را از نگرانی درباره آینده عرضه به رقابت برای محموله‌های قابل تحویل فوری رسانده است. قیمت برخی نفت‌های اخیر به بالاترین سطح دو ماه گذشته رسید. شاخص «برنت تاریخ‌دار» که مسیره‌ای طولانی‌تر و هزینه‌های حمل چند میلیون دلاری را پذیرفته‌اند. این وضعیت نشان می‌دهد مسیرهای جایگزین توان جبران سریع و کم‌هزینه اختلال در گلوگاه‌های اصلی تجارت نفت را ندارند. قیمت محموله‌های واقعی نفت خام در غرب آسیا، اروپا و افریقای هفته اخیر به بالاترین سطح دو ماه گذشته رسید. شاخص «برنت تاریخ‌دار» که مبنای قیمت‌گذاری بیش از ۶۰ درصد محموله‌های فیزیکی نفت جهان است، به ۱۰۵.۷۰ دلار در هریشکه افزایش یافت و نفت فورتیز دریای شمال نیز با قیمت ۱۰۸.۷۷ دلار معامله شد. برخلاف قیمت قراردادهای آتی، این ارقام مستقیماً وضعیت نفت قابل تحویل در بازار را نشان می‌دهد.

سه اختلال هم‌زمان در عرضه نفت

کاهش تردد و صادرات از تنگه هرمز پس از شکست تهاجم اولیه ایران و آمریکا، حمله به نفتکش‌ها در دریای سرخ و تغییر مسیر بخشی از صادرات عربستان، نخستین عوامل افزایش قیمت بوده‌اند. هم‌زمان، حملات منتسب به اوکراین موجب توقف فعالیت پایانه اصلی صادرات نفت قزاقستان در دریای سیاه شد و تولید این کشور را به حدود ۴۰۶ هزار بشکه در روز، نزدیک به نصف سطح قبلی، کاهش داد. نشانه اصلی کمبود، جهش بهای اضافی محموله‌های فوری است. اختلاف قیمت نفت دبی با معاملات سوآپ به ۱۲.۷۴ دلار و نفت عمان به ۱۲.۶۴ دلار رسید که بالاترین سطح از پایان ماهه است. بهای اضافی نفت موربان امارات نیز در پی کمبود نفت سبک‌ترش به ۱۹.۰۴ دلار افزایش یافت. این ارقام نشان می‌دهد پالایشگاه‌های برای دسترسی سریع به نفت موجود، حاضر به پرداخت هزینه‌ای بسیار بیشتر شده‌اند.

مسیر جایگزین یک ماه زمان می‌برد

افزایش خطر در دریای سرخ، عربستان را به عرضه محموله‌های بیشتر از بندر سیدی کریر مصر در ساحل مدیترانه واداشته است. انتقال این نفت به شرق آسیا، به جای عبور از باب‌المندب، مستلزم دورزین آفریقااست و نزدیک به یک ماه به‌دلیل حمل اضافی می‌کشد. شرکت‌های «اس کی انرژی» برای انتقال دو میلیون بشکه نفت از مصر به کره جنوبی، یک نفتکش بزرگ را به هزینه ثابت ۱۸.۵ میلیون دلار اجاره کرده‌است. پالایشگاه‌های ژاپنی و کره‌ای نیز برای تأمین فوری خوراک به نفت دریای شمال و غرب آفریقا روی آورده‌اند؛ در مقابل، چین و هند خرید نفت روسیه را افزایش داده‌اند. افزایش تقاضا در حوزه اقیانوس اطلس، قیمت نفت‌های این منطقه را نیز بالا برده است. بهای اضافی نفت اکویسک و فورتیز دریای شمال افزایش یافته و عرضه کنندگان غرب آفریقا نیز پیشنهادهای فروش خود را گران‌تر کرده‌اند. کاهش صادرات قزاقستان نیز پالایشگاه‌های مدیترانه‌ای را به رقابت بیشتر برای همین محموله‌ها وادار می‌کند.

عبور بحران از بازار مالی به بازار واقعی

تحولات اخیر نشان می‌دهد بحران نفت دیگر به افزایش انتظارات یا نوسان قراردادهای آتی محدود نیست. پالایشگاه‌های بار محموله‌های موجود رقابت می‌کنند، مسیرهای طولانی‌تر را می‌پذیرند و هزینه بیشتری برای حمل می‌پردازند. هم‌زمانی اختلال در هرمز، باب‌المندب و دریای سیاه، انعطاف بازار جهانی نفت را کاهش داده است. مسیرهای جایگزین می‌توانند بخشی از عرضه را منتقل کنند، اما زمان‌بر، گران و دارای ظرفیت محدود هستند. به همین دلیل، ادامه اختلال در گلوگاه‌های اصلی می‌تواند کمبود نفت قابل تحویل را تشدید و قیمت محموله‌های فیزیکی را بیش از پیش افزایش دهد.



مهدی جهانگیری: گروه مالی گردشگری پيشران توسعه و اشتغال در کشور است

به گزارش روابط عمومی گروه مالی گردشگری، نشست هم‌اندیشی مجمع نمایندگان استان کرمان با حضور محمد علی طالبی استاندار کرمان، مهدی جهانگیری رئیس گروه مالی گردشگری، نمایندگان مردم استان کرمان در مجلس شورای اسلامی و مدیران ارشد گروه مالی گردشگری با هدف بررسی روند سرمایه‌گذاری‌ها، پروژه‌های در دست اجرا و برنامه‌های توسعه‌ای این مجموعه در استان کرمان برگزار شد. در این نشست، مهدی جهانگیری با تشریح فعالیت‌های گروه مالی گردشگری، این مجموعه را یکی از بزرگ‌ترین بخش‌های خصوصی کشور در حوزه سرمایه‌گذاری دانست. پالایشگاه‌های بار محموله‌های موجود رقابت تکیه بر سیاست‌های کلان نظام و ضوابط قانونی، تاکنون موفق به ایجاد بیش از ۴۵ هزار فرصت شغلی پایدار در بخش‌های مختلف شده و در شرایط دشوار اقتصادی نیز بدون تعدیل نیرو، روند جذب نیروی انسانی و توسعه پروژه‌های خود را ادامه داده است. وی افزود تداوم اجرای پروژه‌ها در دوران جنگ و بحران‌های اخیر، نشان‌دهنده تعهد این مجموعه به توسعه، تولید و حفظ اشتغال در کشور است. جهانگیری نقش نظام بانکی در توسعه کشور را راهبردی دانست و با اشاره به پروژه‌های شاخص این مجموعه در استان کرمان، از جمله توسعه فولاد بافت، پروژه‌های معدنی، انرژی خورشیدی، گردشگری و خدمات رفاهی، گفت سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده علاوه بر ایجاد اشتغال، موجب افزایش امید به آینده، رونق اقتصادی و جلوگیری از مهاجرت در مناطق مختلف استان شده است.

■ دوشنبه ۵ مرداد ۱۴۰۵ ■ ۱۲ صفر ۱۴۴۸ ■ ۲۷ July ۲۰۲۶ ■ سال دوم ■ شماره ۵۱۶ ■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹ ■ کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲ ■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور



سایه موهوم ابرتورم بر سر اقتصاد ایران؛

چرا هشدارها با واقعیت همخوانی ندارد؟

گزارش

هم‌زمان با افزایش گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال ورود اقتصاد ایران به ابرتورم، بررسی داده‌های تاریخی و شاخص‌های کلان اقتصادی نشان می‌دهد اگرچه تورم مزمن همچنان یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد کشور است اما شرایط کنونی ایران با پیش‌نیازهای وقوع ابرتورم در تجربه کشورهایی مانند آلمان، زیمبابوئه و ونزوئلا تفاوت‌های بنیادین دارد.

اقتصاد ایران سال‌هاست که با پدیده تورم مزمن دست و پنجه نرم می‌کند. افزایش مداوم سطح عمومی قیمت‌ها، کاهش قدرت خرید خانوارها و تلاطمات ارزی، همگی به بخش جدایی‌ناپذیری از واقعیت‌های اقتصادی روزمره تبدیل شده‌اند. با این حال، در ماه‌های اخیر و هم‌زمان با برخی نوسانات شاخص‌های کلان اقتصادی، واژه‌ای دلهره‌آور بیش از پیش در ادبیات رسانه‌ای و محافل تحلیلی کشور شنیده می‌شود و آن «ابرتورم» است. این مفهوم که تداعی‌کننده فروپاشی کامل ساختارهای اقتصادی و بی‌ارزش شدن لحظه‌ای پول ملی است، موجی از نگرانی را در میان فعالان اقتصادی و عامه مردم ایجاد کرده است. اما آیا اقتصاد ایران واقعاً در مسیر ونزوئلایی شدن یا تجربه زیمبابوئه قرار دارد؟ یک بررسی دقیق با استناد ارد اقتصاد و معاصر نشان می‌دهد که پاسخ به این پرسش، با قاطعیت منفی است.

روایت‌های لیبرالی و نظریه «آستانه فروپاشی»

اخیراً برخی از کارشناسان و تحلیلگران اقتصادی که عموماً گرایش‌های لیبرالی دارند، بحث وقوع ابرتورم را با ادبیاتی هشداردهنده در فضای عمومی مطرح می‌کنند. استدلال این گروه بر چند پایه اساسی استوار است. آن‌ها معتقدند در حالی‌که تورم بالا به خودی خود مسئله‌ای جدی و مخرب است اما ابرتورم صرفاً به معنای افزایش بیشتر قیمت‌ها نیست؛ بلکه پدیده‌ای است که بنیان‌های اقتصاد، اعتبار پول ملی، نظام بانکی، بازار سرمایه و حتی نظم اجتماعی را به طور کامل از میان می‌برد. از دیدگاه این کارشناسان، تفاوت‌ماهوری روشنی میان تورم بالا (حتی تورم‌های ۴۰ تا ۵۰ درصدی) و ابرتورم وجود دارد.

مهم‌ترین ادعای این طیف از کارشناسان آن است که مسیر رسیدن به ابرتورم، الزاماً مسیری تدریجی و خطی نیست. آن‌ها هشدار می‌دهند که اقتصاد اینگونه عمل نمی‌کند که تورم آرام‌آرام از ۷۰ درصد به ۸۰، سپس ۱۰۰، ۱۲۰ و نهایتاً ۱۵۰ درصد برسد و سیستم با همان نظم قبلی به حیات خود ادامه دهد؛ بلکه اقتصادها تا مدت زمان مشخصی تورم بالا را تحمل می‌کنند اما در یک نقطه از «آستانه‌ای» عبور می‌کنند که پس از آن، رفتار مردم به سرعت تغییر کرده و فروپاشی رخ می‌دهد.

اگرچه این هشدارها را منظر تأکید بر لزوم اصلاحات ساختاری و کنترل نقدینگی قابل درک هستند اما استفاده از کییدواژه «ابرتورم»

برای توصیف وضعیت فعلی اقتصاد ایران، یک خطای فاحش در تشخیص بیماری است. بررسی تاریخچه اقتصادی جهان و مرور دقیق‌ترین مستندات ثبت‌شده از ابرتورم‌ها نشان می‌دهد که پدیده ابرتورم نیازمند پیش‌شرط‌ها و کاتالیزورهایی است که در ساختار فعلی اقتصاد ایران به هیچ وجه محلی از اعراب ندارد.

کلیدشکافی ابرتورم در آیینۀ تاریخ اقتصاد

برای درک بهتر این موضوع، باید به سه داده‌های تاریخی رجوع کرد. ابرتورم‌ها در خلأ شکل نمی‌گیرند؛ آن‌ها عموماً محصول جنگ‌های ویرانگر، فروپاشی کامل سیستم سیاسی یا نابودی مطلق زیرساخت‌های تولیدی هستند. نگاهی به رکورد‌های تاریخی ابرتورم در کشورهای مختلف، به وضوح این ادعا را ثابت می‌کند که در ادامه آن‌ها ر بررسی می‌کنیم.

فرانسه (۱۷۹۵) و آلمان (۱۹۲۳): در فرانسه پس از انقلاب، بدهی‌های سنگین، کسری بودجه شدید به دلیل جنگ با اتریش و از همه مهم‌تر، انتشار حجم عظیمی از پول‌های جدید و پول‌های تقلبی توسط دشمنان، اقتصاد را متلاشی کرد. در این مقطع تورم به حدی رسید که قیمت‌ها هر ۱۵.۲ روز دو برابر می‌شد. در آلمان پس از جنگ جهانی اول، نیز الزام به پرداخت غرامت‌های سنگین جنگی باعث شد دولت برای تأمین هزینه‌ها به انتشار بی‌رویه اوراق قرضه و چاپ پول روی آورد. در حالی‌که تولید ملی به شدت کاهش یافته بود. نتیجه‌آن تورم ۲۱ درصدی در روز بود.

بحران‌های پس از جنگ جهانی دوم (یونان، تایوان، مجارستان و چین): یونان در سال ۱۹۴۴ به دلیل اشغال توسط نیروهای محور، با قطعی زنجیره تأمین مواد غذایی و ترس از قحطی روبه‌رو شد که تورم روزانه ۱۷.۸ درصدی را رقم زد. در تایوان (۱۹۴۵) جدایی از ژاپن و پیوستن به چین و درگیری در جنگ داخلی، به چاپ عظیم پول انجامید. مجارستان در سال ۱۹۴۶ رکورددار بدترین ابرتورم تاریخ است؛ جایی‌که توافقنامه صلح ترانسون و بی‌ثباتی مفرط داخلی پس از جنگ، اعتماد به بانک‌ها را نابود کرد و تورم معادل ۲۰۷ درصد در روز ثبت شد (دوبرابر شدن قیمت‌ها در کمتر از ۱۶ ساعت!). در چین (۱۹۴۹) نیز، چهار سال جنگ داخلی ویرانگر باعث شد تا ۸۰ درصد نیاز مالی دولت صرفاً با انتشار پول بدون پشتوانه تأمین شود.

فروپاشی‌های ساختاری در آمریکای لاتین و بلوک شرق: در نیکاراگوئه (۱۹۸۷) و پرو (۱۹۹۰)، جنگ‌های داخلی، دخالت‌های نظامی خارجی و پیشنهادهای سخنگیرانه صندوق بین‌المللی پول باعث انزوای مالی و کاهش شدید تولید شد. در ارمنستان (۱۹۹۳) پس از فروپاشی شوروی، نبود قوانین بانک مرکزی مشخص و درگیری در جنگ قره‌باغ، تولید را متوقف کرد. یوگسلاوی (۱۹۹۴) تحت تأثیر جنگ‌های داخلی خونین بوسنی، تحریم‌های فلج‌کننده سازمان ملل و تصمیمات فاجعه‌بار اقتصادی (مانند حذف دستوری شش صفر از پول ملی در یک اقتصاد فروپاشیده) به تورم روزانه ۶۴.۶ درصدی رسید.

تراژدی‌های مدرن (زیمبابوئه و ونزوئلا): زیمبابوئه در سال ۲۰۰۸ نماد

کامل نابودی ارادی یک اقتصاد است. درگیر شدن در جنگ دوم کنگو، افزایش حقوق سربازان با چاپ پول و از همه بدتر اجرای سیاست‌های غلط واکذاری اراضی که تولید کشاورزی را به صفر رساند، باعث شد شبکای به ۸۰ درصد برسد و تورم به ۹۸ درصد در روز بالغ شود. ونزوئلا (۲۰۱۷) نیز پس از یک دهه انکای ۹۶ درصدی به درآمدهای نفتی، با سقوط قیمت نفت، خشکسالی، اعتصابات گسترده، سررسید بدهی‌های خارجی و استهلاک مطلق ذخایر ارزی روبه‌رو شد که اقتصاد این کشور را ۳۰ درصد کوچک کرد.

چرا اقتصاد ایران در آستانه ابرتورم نیست؟

بامرور این مستندات تاریخی، اکنون می‌توان ادعاهای کارشناسان لیبرال‌مبنی بر عبور قریب‌الوقوع اقتصاد ایران از «آستانه تحمل» و ورود به چرخه ابرتورم را با دقت علمی بیشتری نقد کرد. اگرچه اقتصاد ایران تحت شدیدترین تحریم‌های تاریخ قرار دارد اما تفاوت‌های بنیادین و ساختاری متعددی با نمونه‌های تاریخی یادشده دارد که مانع از وقوع ابرتورم می‌شود.

۱. **حفظ و تنوع‌بخشی به ساختار تولید:** در همه نمونه‌های تاریخی (از آلمان ۱۹۲۳ تا زیمبابوئه ۲۰۰۸)، عامل اصلی ابرتورم، نابودی فیزیکی و مطلق زیرساخت‌های تولیدی بوده است. اقتصاد ایران، با وجود همه فشارها، همچنان دارای یک پایگاه تولیدی متنوع و گسترده در بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات است. برخلاف ونزوئلا که ۹۶ درصد صادراتش فقط به نفت وابسته بود، ایران توانسته است صادرات غیرنفتی خود (شامل محصولات پتروشیمی، فولاد، محصولات کشاورزی و صنعتی) را به میزان قابل توجهی توسعه دهد. این تنوع در منابع درآمدی ارزی، به عنوان یک ضربه‌گیر قدرتمند در برابر فروپاشی عمل می‌کند.

۲. **استحکام نسبی نهاد دولت و نظام مالیاتی:** ابرتورم نیازمند وضعیتی است که در آن دولت هیچ منبع درآمدی جز چاپ پول نداشته باشد (مانند چین ۱۹۴۹). در ایران، نظام مالیاتی در طول سال‌های اخیر توسعه یافته و سهم درآمدهای مالیاتی در تأمین بودجه

عمومی دولت به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. این امر نشان‌دهنده حفظ اقتدار حاکمیتی در جمع‌آوری منابع غیرتورم‌زا است. دولتی که قادر است بخش عمده‌ای از هزینه‌های جاری خود را از طریق مالیات تأمین کند، وارد چرخه باطل چاپ پول نمایی (Exponential Money Printing) نخواهد شد.

۳. **عدم وقوع جنگ داخلی یا فروپاشی نهادی:** تاریخ‌نشان می‌دهد که تغییر ناگهانی رفتار مردم (همان آستانه‌ای که کارشناسان لیبرال از آن سخن می‌گویند) معمولاً در بستریک فروپاشی امنیتی و نظامی رخ می‌دهد (مانند یوگسلاوی، ارمنستان یا یونان). اقتصاد ایران، با وجود فشارهای خارجی، از ثبات نهادی و امنیت داخلی برخوردار است. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، برخلاف بانک مرکزی ارمنستان در سال ۱۹۹۳، دارای قواعد، چارچوب‌ها و ابزارهای سیاست‌گذاری پولی فعال است و کنترل نسبی بر ترانزنامه شبکه بانکی دارد.

۴. **ماهیت تورم در ایران: مزمن، نه ابرتورمی:** تورم در ایران ماهیتی ساختاری و مزمن دارد که ریشه در ناترازی‌های بودجه‌ای و ناترازی شبکه بانکی دارد. اقتصاد ایران یاد گرفته که چگونه خود را به تورم‌های ۲۰ تا ۵۰ درصدی سازگار کند. اگرچه این سازگاری به قیمت کاهش رفاه عمومی تمام شده اما این تورم مزمن تفاوت ماهوی با تورم‌های ماهانه ۵۰ درصدی (تعریف کلاسیک ابرتورم توسط فیلیپ کیگان) دارد. در ابرتورم، سرعت گردش پول به بی‌نهایت میل می‌کند و مردم سعی می‌کنند در همان لحظه دریافت دستمزد، آن را به کالا تبدیل کنند. در حالی‌که در ایران، همچنان تقاضا برای نگهداری پول ملی (در قالب سپرده‌های مدت‌دار بانکی) وجود دارد و نظام بانکی و بازار سرمایه به عنوان نهادهای واسطه‌گر مالی با قدرت به کار خود ادامه می‌دهند.

نقد ایده «تغییر رفتار ناگهانی و آستانه فروپاشی»

کارشناسانی که گرایش‌های لیبرالی دارند، اصرار می‌ورزند که با رسیدن به یک نقطه خاص، رفتار جامعه به‌طور ناگهانی تغییر کرده و نظم اجتماعی و نهادهای مالی مانند بازار سرمایه را بین می‌روند. این استدلال بر پایه تئوری انتظارات عقلایی بنا شده اما یک واقعیت تجربی مهم را نادیده می‌گیرد: انتظارات تورمی به‌نهایی نمی‌توانند ابرتورم ایجاد کنند. مگر آن‌که با یک شوک عظیم طرف عرضه (Supply Shock) همراه شوند.

تازمانی‌که کالاهای اساسی و مصرفی در قفسه فروشگاه‌ها وجود دارند، زنجیره تأمین داخلی فعال است و دولت قادر به اعمال حاکمیت اقتصادی است، تغییر رفتار مردم صرفاً منجر به پناه بردن به دارایی‌های امن (مثل طلا، ارز یا مسکن) می‌شود که نتیجه‌آن تورم در بازارهای دارایی است، نه فروپاشی مطلق ارزش پول و ابرتورم. حفظ انسجام نظام بانکی و ادامه فعالیت بورس اوراق بهادار تهران، نشان‌دهنده‌آن است که بنیان‌های اقتصاد، برخلاف ادعای مطرح‌شده، فرو‌نپاشیده‌اند و همچنان در حال هدایت نقدینگی در مسیرهای تعریف‌شده هستند. درنهایت، باید تأکید کرد که استفاده از واژه «ابرتورم» برای توصیف چشم‌انداز اقتصاد ایران، بیش از آن‌که یک تحلیل علمی و مبتنی بر شواهد اقتصاد کلان باشد، یک اغراق رسانه‌ای و ایجاد هراس است. هشدارهای کارشناسی مبنی بر آن‌که مسیر تورم خطی نیست و ممکن است از یک آستانه بحرانی عبور کند، در صورتی معتبر است که کشور درگیر جنگ داخلی، نابودی مطلق زیرساخت‌ها یا قطع کامل جریان‌های درآمدی حاکمیت شود.

اقتصاد ایران بدون شک نیازمند جراحی‌های عمیق ساختاری، انضباط مالی شدید در بودجه دولت و کنترل قاطع ناترازی‌های بانکی است تا از شر خود مسئله‌ای جدی و خود مسئله‌ای جدی و خود مسئله‌ای جدی و مغرب است اما ابرتورم صرفاً به معنای افزایش بیشتر قیمت‌ها نیست؛ بلکه پدیده‌ای است که بنیان‌های اقتصاد، اعتبار پول ملی، نظام بانکی، بازار سرمایه و حتی نظم اجتماعی را به طور کامل از میان می‌برد.



زیرساخت حمل‌ونقل و تضمین ایمنی حمل‌ونقل مسافر، جابه‌جایی وسایل نقلیه و انبارداری محموله است. در واقع، تاجیکستان با اتصال به شبکه جاده‌ای ریلی ایران و می‌تواند از طریق بندر چابهار و از طریق کریدور به اقیانوس هند دسترسی پیدا کند. توسعه بندر چابهار برای افغانستان نیز یک تغییردهنده بازی بوده و دروازه جدیدی به جهان خارج برای آن فراهم، در نتیجه انزوای اقتصادی آن را کاهش و جایگاه منطقه‌ای آن را ارتقا می‌دهد. پروژه مشترک بین هند و ایران همچنین به عنوان الگویی برای همکاری منطقه‌ای عمل می‌کند، منافع چندین کشور را در هم می‌آورد و ادغام اقتصادی در منطقه را ارتقا می‌دهد و در نتیجه، به ثبات و توسعه در افغانستان و منطقه وسیع‌تر کمک می‌کند. با توجه به این موضوع، اتصال

از تیکستان یا چند جانبه مانند توافقنامه چابهار با حضور افغانستان، به دنبال بهره‌گیری از موقعیت

بندار ایران به‌ویژه چابهار هستند. به باور تهران، چابهار تنها بندر ایران است که اهداف راهبردی خود را برای تبدیل شدن به قطب اصلی تجارت و ترانزیت در میان خلیج فارس، آسیای مرکزی و آسیای جنوبی فراهم می‌کند. برای تحقق اهداف راهبردی و اقتصادی، ایران به نفع زیرساخت‌های چابهار را توسعه داده، بلکه با سایر کشورهای نیز برای بهبود بیشتر ظرفیت‌های ترانزیتی خود همکاری داشته است. ایران در راستای نفوذ بر بازار آسیای مرکزی و دسترسی به این منطقه، در حال ساخت خط آهن با همکاری افغانستان و تاجیکستان است. همچنین، ایران تمایل دارد که خط آهن خواف-هرات را به خطوط آهن آسیای مرکزی، ترکیه و اروپا و سایر مسیرهای ارتباطی متصل کند. جاده‌ای که چابهار و ملبک را در امتداد مرز ایران و افغانستان متصل می‌کند، توسط تهران ساخته شده و به زاهدان و ابرانشهر می‌رسد و سپس به بزرگراه بین‌رزنج و دلارام متصل می‌شود. این مسیر می‌تواند تا تاجیکستان ادامه یابد و این کشور را به بندر راهبردی چابهار متصل کند؛ به طوری‌که در دولت سیزدهم وزارت حمل‌ونقل تاجیکستان و راه و شهرسازی ایران تهاجم‌نامه‌ای در مورد ترانزیت بین‌المللی کالا از طریق بندر چابهار ایران امضا کردند. هدف از این تهاجم‌نامه تسهیل رویه‌های هماهنگی، کاهش عوارض و هزینه‌های حمل‌ونقل جاده‌ای، جذب بار از کشورهای دیگر به مسیرهای عبوری از بندر ایران، تسهیل سرمایه‌گذاری‌های متقابل در پروژه‌های

کریدورهای بزرگ منطقه اوراسیا دانست که مهمترین آن ساخت «راه‌گذار پنج‌ملت» است. توافق‌نامه اولیه برای توسعه پروژه FNRC در دسامبر ۲۰۱۴ در دوشنبه، پایتخت تاجیکستان، امضا و از آن زمان تاکنون روندی مطلوبی نداشته است. این پروژه با طول ۲۱۰ کیلومتر از پنج کشور چین، تاجیکستان، قرقیزستان، افغانستان و ایران عبور و چین را به بندر چابهار و بندر عباس ایران متصل خواهد کرد. حدود ۵۰ درصد از کل خط آهن، تقریباً ۱۱۴ کیلومتر از استان‌های قندوز، بلخ، جوزجان، فاریاب، بدخشیس و هرات افغانستان عبور خواهد کرد. براساس برآوردهای اولیه، ارزش تخمینی این پروژه بیش از ۲ میلیارد دلار بوده که بخش افغانستانی آن خط آهن توسط بانک توسعه آسیا (ADB) تأمین مالی خواهد شد. براساس توافق اولیه، این خط آهن باید ظرف پنج سال، یعنی تا پایان سال ۲۰۲۹، ساخته می‌شد که به دلیل مختلفی تاکنون ایجاد نشده است. بسیاری از کارشناسان اقتصادی، پروژه FNRC را به عنوان نقطه عطفی برای تقویت بیشتر همکاری‌های اقتصادی در منطقه اعلام کرده‌اند. این پروژه نه فقط ظرفیت حمل‌ونقل کشورهای درگیر را افزایش می‌دهد، بلکه رشد اقتصادی ملی آن‌ها را تقویت، مبادلات تجاری را گسترش و روابط گردشگری را ارتقا می‌دهد. علاوه بر این، مسافت به سمت اروپا را کاهش می‌دهد و به اتصال کشورهای عضو به آب‌آباد خلیج فارس از طریق ایران کمک می‌کند. علاوه بر این، هزینه‌های حمل‌بار در این مسیر، به دلیل کوتاه شدن مسافت و زمان کاهش می‌یابد.